



فتوا

فتوا عبارت است از خبر دادن از حکم کلی الاهی در موضوعات کلی به استناد دلایل چهار گانه در فقه (کتاب، سنت، عقل و اجماع)، اعم از آن که به صورت خیر القا شود یا به صورت امر. به عنوان مثال: فقیه پس از بررسی ادله و فحص کامل به حکمی از احکام الاهی دست می یابد، سپس نظر خود را به این صورت اظهار می کند که مثلاً: «شراب حرام است» و یا «شراب نخورید».

[1] ابراهیم زاده، نبی الله، حکمیت دینی، ص ۱۸۶.

فهرست مندرجات

- ۱ - فرق حکم با فتوا
- ۲ - دلیل روایی بر تعریف حکم
- ۳ - انشای حکم حکومتی
- ۴ - پانویس

فرق حکم با فتوا

با تعریفی که از فتوا و حکم ارائه شد به تفاوت های این دو می پردازیم:

۱. فتوا از مقوله اخبار است (اخبار از حکم الاهی)، ولی حکم از مقوله انشاء، یعنی حکم از آن جهت که حکم است، یک واقعیت عینی است. به بیان روشن تر، فتوا بیان حکم شرعی کلی است و کاری با تطبیق آن بر مصداق ندارد، ولی در حکم علاوه بر حیث فتوایی، تطبیق بر مصداق هم گنجانده شده که حیث دستوری و اجرایی قضیه است.
۲. در فتوا به لحاظ کلی بودن، مصالح و شرایط خاص مکلفین مد نظر قرار نمی گیرد، ولی در حکم به لحاظ این که مصداقی، موردی و جزئی است شرایط و مصالح مکلفین و اشخاص حقیقی یا حقوقی در نظر گرفته و رعایت می شود، اعم از این که حکم قضایی باشد یا حکم سیاسی و اجتماعی.
۳. گستره فتوا معمولاً محدود و نسبی است، ولی گستره حکم، مطلق است؛ یعنی فتوا فقط در حوزه خود مرجع فتوا دهنده و مقلدان او لازم الاجرا است و تنها بر آنها حجت شرعی و تکلیف آور است، در حالی که حکم حاکم اسلامی بر همه مردم و مقلدان همه فقها و مراجع و حتی بر خود فقها و مراجع دیگر نیز تا زمانی که اشتباهش معلوم نشد،

[1] العروة الوثقی (المحشی)، ج ۱، ص ۴۸.

حجت شرعی و واجب الاتباع است.

[2] حکمیت دینی، ص، ۱۸۷، بنابر نظر عده ای از فقها حکم حاکم بر همه لازم الاجرا نیست، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱۰، ص ۴۱۸..

دلیل روایی بر تعریف حکم

آنچه که از ادله اثبات ولایت فقیه استفاده می شود،

[1] به سوال ۲۱۹۴ (سایت: ۲۴۹۸) مراجعه کنید.

این است که یکی از شؤن ولی فقیه اصدار حکم (حکم در مقابل فتوا) است. در توفیق امام عصر (عج) مردم در مسائل اختلافی شن ارجاع به علمای دین داده شده اند.

[2] نک: سوال ۴۴۵۳ (سایت: ۴۶۸۷).

فقها با استفاده از این روایت و نظیر آن (که بحث اختلاف در مصداق خارجی است) حکم را تعریف کرده اند. مرحوم صاحب جواهر در تعریف حکم می گوید: «حکم؛ ایجاد دستوری از طرف حاکم درباره یک حکم شرعی یا وضعی یا موضوع حکم شرعی و وضعی در موضوع خاصی است»

[3] می گوید: «اما حکم فهو إنشاء إنفاذ من الحاکم لا منه تعالی لحکم شرعی أو وضعی أو موضوعهما فی شیء مخصوص» نک: نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۱۰۰، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا. [1]

بنابراین، حکم حکومتی به پشتوانه مشروعیت اصل حکومت و ولایت و جایگاه ارزشی آن، همه احکام اولی و ثانوی و یا واقعی و ظاهری را در بر می گیرد؛ یعنی مجموعه احکامی که برای حفظ کین اسلام و نظام سیاسی- اجتماعی مسلمانان مفید و تأثیرگذار است می تواند به عنوان اولی یا ثانوی اش با تشخیص ولی فقیه در قالب احکام حکومتی جعل و صادر شود و اجرایش بر همگان واجب گردد.

انشای حکم حکومتی

اصل اولیه با توجه به روایات این است که هر فقیه عادل و جامع شرایط که شرایط ولایت را داشته باشد می تواند حکم (علاوه بر فتوا) صادر کند. لذا در برخی از کتب های فقهی بحث تعارض دو حکم که از طرف دو حاکم (فقیه) صادر شده، طرح شده است.

۱۷. نک: انصاری، شیخ مرتضی، مطارح الانظار، ص ۳۰۴، آل البیت، قم، بی تا.

اما با توجه به این که در یک جامعه اسلامی احکام صادره از طرف فقهای محترم با اداره جامعه اسلامی و با نظم اجتماع ارتباط دارد و کثرت مراکز تصمیم گیری در آن موجب اغتشاش می شود و اطاعت از رهبر در احکام حکومتی بر همگان (حتی سایر فقها) واجب است، قاعده اقتضا می کند، حتی المقدور رهبر و کسی که احکام ولایی صادر می کند، یکی باشد.

۱۸. با استفاده از سؤال ۳۹ (سایت: ۲۷۲).

پانویس

۱. ابراهیم زاده، نبی الله، حکمیت دینی، ص ۱۸۶.

۲. العروة الوثقی (المحشی)، ج ۱، ص ۴۸.

۳. حکمیت دینی، ص، ۱۸۷، بنابر نظر عده ای از فقها حکم حکم بر همه لازم الاجرا نیست، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱۰، ص ۴۱۸..

۴. به سؤال ۲۱۹۴ (سایت: ۲۴۹۸) مراجعه کنید.

۵. نک: سؤال ۴۴۵۳ (سایت: ۴۶۸۷).

۶. می گوید: «أما الحكم فهو إنشاء إنفاذ من الحاكم لا منه تعالى لحكم شرعي أو وضعي أو موضوعهما في شيء مخصوص» نک: نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۱۰۰، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا. [۱]

۷. نک: انصاری، شیخ مرتضی، مطارح الانظار، ص ۳۰۴، آل البیت، قم، بی تا.

۸. با استفاده از سؤال ۳۹ (سایت: ۲۷۲).